

## توجیه بی‌تی منسوب به فردوسی



اشاره:

دکتر عصمت‌الله عبدالله یوسف عضو فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان متولد اسفندماه ۱۳۰۰ هجری خورشیدی در شهر نهنگان از استان فرغانه‌ای این کشور است. او مقاله‌های پرشماری به فارسی، ازبکی و روسی نگاشته است. مقاله‌ی حاضر به فارسی تالیف شده و پیش‌تر در نشریه‌ی «خراسان» افغانستان (کابل، حمل - ثور ۱۳۶۳، سال چهارم، شماره‌ی اول، شماره‌ی پیاپی ۱۵) چاپ شده است. از آن‌جا که نشریه‌ی مذکور برای خواننده‌ی ایرانی به آسانی قابل دسترسی نیست، این

مقاله در «دانش و مردم» منتشر می‌شود. چنان که در متن مقاله نیز آمده، محمدعلی جمالزاده نویسنده‌ی نامدار ایرانی هم مقاله‌ای در همین موضوع نوشته است (مجله‌ی مهر، شماره‌ی ۵؛ سال دوم، ۱۳۱۳، ص ۴۲۵-۴۳۴). مطالب مقاله‌ی جمالزاده به‌نوشته‌ی خود او برگرفته از یک مقاله‌ی مفصل به زبان فرانسه با عنوان «طرق قدیمه‌ی انگشت‌شماری در مشرق و مغرب» اثر لومران، درج شده در مجله‌ی «تحقیقات اسلامی»<sup>۱</sup> در ریاضیات این دوره رساله‌های فراوانی با عنوان «عقود انامل» درباره‌ی حساب انگشتی تالیف شده است. مقاله‌ی ارزشمندی با عنوان «حساب انگشتی» نوشته‌ی دکتر سید ابوطالب میرعبادینی نیز در کتاب «درخت معرفت» (جشن‌نامه‌ی عبدالحسین زرین‌کوب، به کوشش علی‌اصغر محمدخانی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۵۷۷-۵۸۵) آمده است که شکل این مقاله را از آن گرفته‌ایم.

این مقاله بی‌هیچ دخل و تصرفی در مضمون، تنها با اندکی تغییر در رسم‌الخط به چاپ می‌رسد.

1. J.G.Lemoine: Les anciens procédés de Calcul sur les doigts en Orient et en Occident, (Revue des Etudes Islamiques; Année 1932, Cahier 1).

چنان که معروف است، از حماسه‌ی مشهور فردوسی به نام شاهنامه استقبال چندانی صورت نگرفت و در نتیجه بر اثر این بی‌توجهی فردوسی هجویه‌ی تندی مرکب از صد بیت ساخت. این هجویه ضمیمه‌ی همه‌ی نسخه‌های شاهنامه است.

این موضوع که هجویه‌ی یاد شده به فردوسی تعلق دارد یا نه مسأله‌ای است که تاکنون درباره‌ی آن بین کارشناسان اختلاف نظر وجود دارد.<sup>۱</sup> نگارنده بی‌آن‌که توجه خود را به این مسأله محدود سازد، می‌خواهد خاطر نشان کند در این هجویه بیت معما آمیزی وجود دارد:

کف شاه محمود والاتبار نه اندر نه آمد سه اندر چهار

بسیاری از دانشمندان خاور و باختر تلاش کرده‌اند مفهوم بغرنج این بیت را حدس بزنند.<sup>۲</sup> پژوهشگران در اساس تفسیرهایی برای این بیت ارائه می‌کنند:

ایران‌شناس روسی و آ. ژوکوفسکی (۱۸۵۸-۱۹۱۸) در مقاله‌ی خود با نام «تفسیر معما در هجو متعلق به فردوسی»<sup>۳</sup> توضیح محمدعلی نامی را نقل می‌کند که ضرب‌های «۹ ضرب ۹ و ۴ ضرب ۳» در امر مرتبط با حساب العقد یعنی محاسبه به وسیله‌ی انگشت‌ها تفسیر و تعبیر می‌کند. بنابر اظهار ژوکوفسکی، ایران‌شناس فرانسوی J. Mahl (۱۸۰۰-۱۸۷۶) و S. Juyard (۱۸۱۶-۱۸۸۴) این توضیح را صحیح شمرده‌اند. ژوکوفسکی سپس این دو نظر را نیز مطرح می‌سازد:

۱- تفسیر ملک‌التجار تهرانی که نامش را نمی‌دانند. این تاجر اظهار داشته است ۹۳ مساوی (۳۰ جمع ۱ جمع ۱۰ جمع ۴۰) جمع (۶ جمع ۲ جمع ۴)، لثیم و به مساوی (ل جمع ۱ جمع ۱ جمع م) جمع (و جمع ب جمع د) یعنی

۲- تفسیر متعلق به دانشمند اصفهانی که بسیار نامفهوم است و آن نیز با حرکت انگشت‌ها ولی بدون محاسبه با آن‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین تفسیر، همه دست شکل مشت فشرده را می‌گیرد.

ژوکوفسکی با تفسیر تاجر تهرانی که دوستدار فردوسی و متبحر در فهم شاهنامه بوده است، موافق است.

دانشمند مشهور ایران، محمدعلی جمال‌زاده در مقاله‌ی خود با نام «نه اندر نه آمد سه اندر

۱. رجوع شود به آثار منتخب برتلس. ای. به نام تاریخ ادبیات فارسی و تاجیکی مسکو، سال ۱۹۶۰، صفحات ۱۸۹-۱۹۱.

۲. آن. بولدبروف «مثنوی شاعر تاجیکی فیاض» آثار منبع تاجیکی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی. جلد ۹، مسکو،

لنین‌گراد، سال ۱۹۴۰، صفحات ۵۲، ۶۴.

۳. یادداشت‌های شعبه‌ی خاور، انجمن کوش‌شناسی امپراتوری روسیه، جلد ۲، سن پترزبورگ، سال ۱۸۸۸، صفحات

چهاره<sup>۱</sup> وجود سبک محاسبه با انگشت‌ها در نزد ملل ایرانیان، یونانی‌ها، هندی‌ها، مغول‌ها و اروپاییان را توضیح می‌دهد و سه نوع محاسبه با انگشت‌ها را بیان می‌دارد.

او براساس یکی از این محاسبه‌ها که رایج‌تر از دیگران است، معنی بیت هجو فردوسی را تفسیر می‌کند. این سبک شبیه همان‌گونه‌ای است که محمدعلی نامی بیان داشته است.

جمال‌زاده عکس انگشت‌ها را با معانی آن‌ها از یک تا ۹۰ نقل می‌کند. درباره‌ی این‌گونه شمارش توضیح می‌دهیم:

همان‌گونه که آن. بولدیروف گفته است، محمدعلی جمال‌زاده و چند تن دیگر از دانشمندان، این بیت فردوسی را براین اساس تفسیر و معنی کرده‌اند؛

و اما تفسیر بیت مذکور با کمک حروف ابجد، همان‌گونه که از مقاله‌ی آ. ن. بولدیروف برمی‌آید دو حالت دارد:

حالت اول به و. آ. زوکوفسکی متعلق است. طبق آن حروفی که از آن‌ها معنای ۸۱ و ۱۲ به دست می‌آید، لغت لثیم و بد را تشکیل می‌دهند، از این قرآن: ل - ۳۰، ی - ۱، م - ۱۰، و - ۴۰، ب - ۲، د - ۴، مجموع ۹۳.

تفسیر دوم مبتنی بر حروف ابجد توسط میرزا عبدالله فیاض خجندی شاعر تاجیک (۱۹۲۰-۱۹۵۴) ارائه شده است.

فیاض گویا دوبار فردوسی را در خواب دیده و این دو خواب را به شکل مثنوی به شعر به سال (۱۹۱۰) در شهر سمرقند سروده است.<sup>۲</sup>

هنگامی که فیاض بار دوم فردوسی را در خواب می‌بیند، گویا او (فردوسی) مفهوم بیت نامبرده را به فیاض بازمی‌گوید، از این قرار:

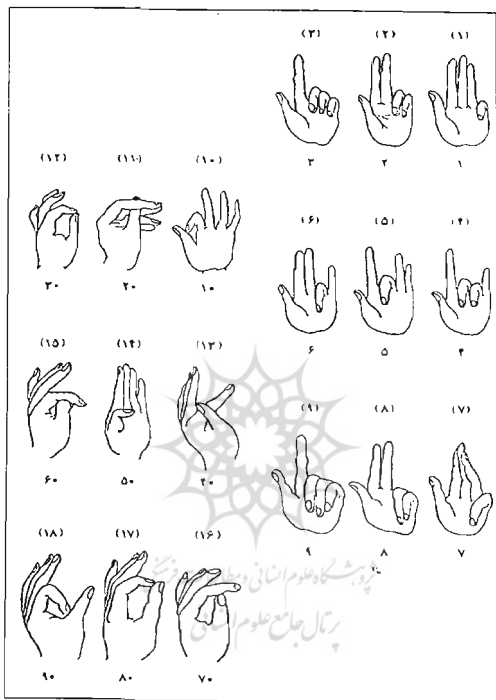
بگویم ترا معنیش یک به یک      نه اندر نه آمد چو هشتاد و یک  
سه اندر چهارش شد اثنی عشر      چو اثنی عشر را کنی «بی» اگر  
ز هشتاد و یک حرف «اعطاء» نمود      که بی این کف شاه محمود بود<sup>۳</sup>

چنان‌که ملاحظه می‌شود فیاض طبق معنی عددی حروف، از عدد ۸۱ لغت (اعطی) و از عدد ۱۲ لغت (بی) را کسب می‌کند و نتیجه می‌گیرد که دست محمود (بی اعطی) است. آن. بولدیروف درباره‌ی این‌گونه تفسیر می‌نویسد: «این توضیح هرچند معقول‌تر از توضیح

۱. فردوسی‌نامه‌ی مهر، صفحات ۴۲۵-۴۲۴، تهران، ۱۹۳۴.

۲. این دو مثنوی فیاض همراه با ترجمه‌ی روسی آن‌ها در مقاله‌ی نامبرده آن. بولدیروف درج شده است. صفحات ۶۴-۵۸

۳. آن. بولدیروف، مقاله‌ی مذکور، صفحه‌ی ۶۱ هم‌چنین روزنامه‌ی «حقیقت‌نشین آباد» مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۷۲. نویسنده‌ی این سطرها از مثنوی فیاض آن بیت‌ها را نقل کرده است که با موضوع مورد بررسی مربوط است.



ژوکوفسکی به نظر می‌رسد، با این حال در حساب آخر مانند سایر تفسیرها اعم از آن‌که مبتنی بر حروف ابجد باشد یا محاسبه با انگشت، فرضی و فاقد استدلال است.

س. امین‌زاده و س. معروفیوف در مقاله‌های خود به نام «میرزا عبدالله فیاض» می‌نویسد: «به این ترتیب میرزا عبدالله فیاض خجندی با حل غیرمنطقی این معما که سال‌های فراوان بر همگان بدون حل مانده است، در بین دانشمندان و ادیبان عصر خود از افتخار و تحسین

برخوردار شد.<sup>۱</sup>

طبق اظهار ی.ا. برتلس: «این بیت خون بسیاری از ادب‌شناسان خاور و باختر را که کوشیده‌اند معنی بفرنج آن را کشف کنند، کثیف کرده است.»

باری اگر همان‌گونه که بیش از همه فرض و تصور شده است، مصرع نامفهوم و نامانوس «نه ندر نه آمد، سه اندر چهار» معنی عددی حروف الفبای عربی را خاطر نشان می‌کند، در آن صورت واضح است که فردوسی شاعر بزرگ که اواخر سده‌ی دهم و اوایل سده‌ی یازدهم میلادی به نوشتن شاهنامه پرداخته است نمی‌توانست آن را به‌کار ببرد، زیرا این شیوه‌های بیان تنها پس از سده‌ی ۱۰ مورد استفاده‌ی شاعران قرار گرفته است.

بعدها این نظر مطرح شد که این بیت اتهام رمزی سلطان محمود به‌خساست است. ولی آخر به‌چه دلیل فردوسی نیاز به رموز ساختن اتهام داشت. زیرا اگر شاعر مایل بود محمود را تحقیر کند، در این صورت باید چنان می‌نوشت که شعرهایش را هرکس بتواند بفهمد، نه این‌که طی هزار سال کسی از آن سردر نیورد.»

مختصر آن‌که دانشمندان درباره‌ی تفسیر این بیت فردوسی تاکنون به نتیجه‌ی نهایی نرسیده‌اند.

اینک به‌جاست خاطر نشان کنیم که در تذکرة یتیمۃ‌الدهر تالیف ابومنصور الثعالبی (۱۰۳۸-۹۶۱م) درباره‌ی شاعر ایرانی ابوالقاسم عبدالله ابن عبدالرحمن دینوری که به‌زبان عربی شعر می‌سروده، نوشته شده است که او شاعر، کاتب و ادیب مشهوری بوده و درباره‌ی ادبیات بیش از سی اثر تالیف کرده است. نامبرده در دوبار آخرین پادشاه دودمان سامانی در شهر بخارا می‌زیسته است. الثعالبی قطعاتی از شعرهای او را در تذکرة‌ی خود درج کرده است.<sup>۲</sup> عمر رضا کحاله نیز از دینوری شاعر یاد می‌کند و تاریخ مرگ او را سال (۳۹۰ قمری برابر به ۹۹۹-۱۰۰۰م) می‌نویسد.<sup>۳</sup>

در بین شعرهای دینوری با نام درباره‌ی آدم خسیس (فی قابض کفه، یعنی درباره‌ی مشت فشرده‌ی او) دو بیت زیر مشاهده می‌شود:

اللّه صور کفه لما یراه فابدهه

من تسعة فی تسعة و ثلاثة فی اربعة

یعنی هنگامی که خداوند او را آفرید به‌کف دست او شکل نه در نه و سه در چهار را داد

۱. روزنامه «حقیقت لندن» آباد، ۷ ژوئیه ۱۹۷۲.

۲. ابومنصور عبدالملک الثعالبی، یتیمۃ‌الدهر فی محاسن اهل العصر، جلد ۴، القاہرہ، ۱۳۷۷، صفحات ۱۳۶-۱۴۲.

۳. عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، جلد ۶، دمشق، ۱۹۵۸، صفحه ۶۹.

چنان که ملاحظه می‌کنیم بیت دوم از شعر دینوری مشابه بیت فردوسی است.

شعر دینوری حدود ۳۰ تا ۴۰ سال پیش از شعرهای آمیخته به هجو فردوسی نوشته شده است؛ ممکن است فردوسی از این شعر دینوری اطلاع داشته و آن را در سرودن هجویه به کار برده است. ممکن هم است این دو شاعر با هم آشنا بوده‌اند. باری هیچ یک از دانشمندانی که تلاش ورزیده‌اند معنی بیت فردوسی را بیانند از بیت دینوری یاد نمی‌کنند.

باید یاد آور شد که وجود مشابه عربی بیت فردوسی، هرگونه تلاش برای تفسیر این بیت را با کمک حروف ابجد مردود می‌سازد. زیرا به کار بستن آن در شعر عربی امکان‌پذیر نیست و اما نگارنده با تطبیق بیت‌های دو شاعر به این نتیجه رسیده است که معنی آن‌ها را باید طبق محاسبه با انگشت مکشوف ساخت که نزد اعراب باستان رواج داشته است. اعراب مذکور اعداد را با کمان تجمع گوناگون انگشتان دو دست نشان می‌داده‌اند.

به این ترتیب:

انگشت کوچک، انگشت کنار آن و انگشت وسط دست راست نشان یکه (از یک تا ۹) و انگشت اشاره و شست نشان دهه (از ۱۰ تا ۹۰)، انگشت کوچک، انگشت کنار آن و انگشت وسط دست چپ هزاره (۱۰۰۰ تا ۹۰۰۰) بوده است. مشروح آنکه اگر همه انگشت‌های دست راست باز و انگشت کوچک جمع شود، عدد یک حاصل می‌شود. اگر انگشت کوچک و انگشت همسایه‌ی آن و انگشت وسط جمع شوند، معنی ۳ می‌شود. اگر در این حالت انگشت کوچک باز شود، عدد چهار و اگر انگشت مجاور آن نیز بلند شود، عدد پنج حاصل می‌شود. با بلند کردن انگشت کوچک و جمع کردن انگشت مجاور و باز کردن انگشت وسط، عدد ۶ نشان داده می‌شود. اگر انگشت کوچک را روی کف دراز کنیم عدد هفت ارایه می‌شود. انگشت کوچک و انگشت همسایه‌اش در حالت کشیده روی کف عدد ۸ را نمایان می‌سازند. با کشیدن انگشت کوچک، همسایه‌اش و انگشت وسط روی کف عدد ۹ حاصل می‌شود. اگر نوک انگشت اشاره دست را به نرمه‌ی شصت وصل کنیم شکل حلقه پیدا می‌شود که به معنی عدد ۱۰ خواهد بود. با قرار دادن نوک شصت به محل الصاق انگشت وسط و انگشت اشاره، عدد ۲۰ به دست می‌آید (انگشت وسط در این حالت دیگر نقش را ایفا نمی‌کند). اگر دو ناخن انگشت‌های اشاره و شصت را طوری بهم وصل کنیم که گویی می‌خواهیم سوزن را از جایی برداریم، به معنی عدد ۳۰ خواهد بود. اگر نرمه‌ی شصت دست را در کنار بند دوم انگشت اشاره قرار دهیم، در حالی که بند اول انگشت اشاره خم شده باشد، عدد ۴۰ حاصل می‌شود. اگر انگشت‌های اشاره و شصت را مستقیم و موازی و ملصق کنار هم قرار دهیم عدد ۵۰ به دست می‌آید. اگر نرمه‌های

انگشت‌های اشاره و شصت را به هم بچسبانیم عدد ۶۰ ابلاغ می‌شود. اگر ناخن شصت را زیر نرمه‌ی بند دوم انگشت اشاره بچسبانیم، عدد ۷۰ منظور می‌شود. با قرار دادن محل الصاق دوبند شصت روی بند سوم انگشت اشاره و خواباندن کامل انگشت اشاره، عدد ۸۰ حاصل می‌شود. اگر ناخن انگشت اشاره را بر پایه‌ی شصت فشار دهیم، به طوری که هیچ منفذی بین این دو انگشت به وجود نیاید، عدد ۱۹۰ اعلام می‌شود. محاسبه از ۱۰ تا ۹۰ با انگشت‌های اشاره و شصت دست راست اگر با انگشتان مشابه دست چپ انجام گیرد، عددهای ۱۰۰، ۲۰۰، ۳۰۰ تا ۹۰۰ حاصل می‌شود. شیوه‌ی محاسبه از یک تا ۹ با انگشت‌های دست راست اگر با انگشتان مشابه دست چپ صورت گیرد، عددهای ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۳۰۰۰ تا ۹۰۰۰ به دست می‌آید.<sup>۱</sup>

با استفاده از این شیوه‌ی محاسبه می‌توان به درستی مفهوم بیت‌های دینوری و فردوسی را روشن کرد. جمع عددها در بیت‌های عربی و فارسی (نه اندر نه آمد سه اندر چهار) برابر ۹۳ است. برای این که این عدد نشان داده شود، لازم است ابتدا انگشت اشاره‌ی دست راست را روی کف دست فشردن و این به معنی ۱۹۰ است. سپس انگشت کوچک و انگشت همسایه‌ی آن و انگشت وسط همین دست را روی کف دست فشار دادن که از آن معنی ۳ حاصل می‌شود و به این ترتیب دست راست به شکل جمع و فشرده همان می‌شود که به عربی قابض کف است و همان‌گونه که ذکر شد، شعر دینوری با این کلمات عنوان شده است که به معنی خسیس و فاقد بخشش است.

حتا امروزه نیز نزد ملل خاور از جمله نزد ملل آسیای میانه، اغلب با جمله‌ی «فلانی دست باز است» یعنی اهل بخشش است مواجه می‌شویم و هنگامی که می‌خواهند خست کسی را نشان دهند، انگشت‌ها را جمع می‌کنند، می‌فشردند و مشت را نشان می‌دهند. به این ترتیب بیت‌های معماآمیز دینوری و فردوسی را می‌توان طبق شیوه‌ی محاسبه با انگشتان دست که در قدیم رایج بوده است به درستی و با یقین تفسیر کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. محمد غیاث‌الدین بن جلال‌الدین، غیاث‌اللفات، لاهور، ۱۸۹۵، ص ۳۰۱-۳۰۰.